

تحلیل مفاهیم و پیشینه تصویری نمادهای حیوانی در چادرشب گیلان با توجه به اسطوره‌ها و باورهای محلی

حسین عابد دوست^۱

زیبا کاظم پور^۲

چکیده:

چادرشب، پارچه‌ای است که به شکل سنتی در گیلان بافته می‌شود. این بافته مزین به نقوشی است که تداوم نمادگرایی کهن سرزمین گیلان را تا عصر حاضر به تصویر می‌کشد. پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که مفاهیم نمادین و ریشه‌های تصویری نقوش حیوانی چادرشب گیلان چیست. روش تحقیق توصیفی تحلیلی است. روش گردآوری مطالب کتابخانه‌ای از طریق فیش برداری و تصویرخوانی است. تجزیه تحلیل داده‌ها به صورت کیفی صورت گرفته است. بر اساس یافته‌های تحقیق می‌توان پیشینه حضور نقوش حیوانی را در فرهنگ فولکلور و هنر باستانی گیلان نشان داد. بزسانان نماد باروری هستند و نماد برج حمل و فرا رسیدن بهار است، گوزن دورکننده شر و نگهبان عناصر خیر است، پرنده نماد آسمانی که عموماً نگهبان نماد گیاهی مقدس است، پروانه نماد تغییر و تبدیل از مرحله‌ای به مرحله دیگر است. غالب نقوش حیوانی با مفاهیم خیر همچون برکت، باروری و فزونی همراهند. مطالعه درون متنی در باورهای مردمی و نیز آثار باستانی منطقه، تداوم حیات تفکر نمادین را در هنر سرزمین گیلان نشان می‌دهد.

اهداف پژوهش

- ۱- مطالعه عناصر نمادین حیوانی چادرشب گیلان.
- ۲- مطالعه پیشینه تصویری نقوش حیوانی چادرشب گیلان در آثار باستانی منطقه.

سوالات پژوهش

- ۱- مفاهیم نمادین نقوش حیوانی چادرشب چیست و باورهای محلی مرتبط با این نمادها کدامند؟
 - ۲- چه شباهت‌هایی میان نقوش حیوانی چادرشب و نقوش آثار باستانی گیلان می‌توان مطرح کرد؟
- واژگان کلیدی: نمادهای حیوانی، پیشینه تصویری، چادرشب گیلان، باورهای محلی.

مقدمه

^۱ استادیار گروه گرافیک، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه گیلان- رشت- ایران_ habeddost@guilan.ac.ir

^۲ دکترای پژوهش هنر، مدرس دانشکده هنر و معماری، دانشگاه گیلان ** zkazempoor@yahoo.com

مقاله حاضر مستخرج از طرح پژوهشی با نام: شناسایی مفاهیم و پیشینه تاریخی نقوش چادر شب گیلان و کاربرد آن در طراحی لباس رسمی زنان، می‌باشد که در دانشگاه گیلان، دانشکده هنر و معماری ارائه شده است.

چادرشب، پارچه ایست ابریشمی که معمولا به شکل مربع بافته می‌شود، مربع اساسی ترین نقشمایه چادرشب است. در مرکز این مربع بزرگ نماد ماه با خطوط جناغی (زیگزاگی) قرار می‌گیرد. در یک قطعه چادرشب بافته شده حتما یک عدد ماه در مرکز است و در یک لاوند که حاصل سه قطعه یا قطعات بیشتر به هم پیوسته است تا سه ماه دیده می‌شود. گاهی این نماد در گوشه‌های چادرشب تکرار می‌شود که سه ماه در چادرشب بر روی قطر مربع قرار می‌گیرد. ماه گل مربعی است که در میانش خطوط جناغی تکرار شده و اطراف این مربع با مربع‌های کوچکتر و یا نواری دندانان ای تزئین می‌شود. این بافته مزین به نقش مایه‌های حیوانی است. تحلیل حاضر سعی دارد به تحلیل مفاهیم نمادین و ریشه‌های تصویری نقوش حیوانی موجود بر چادرشب گیلان بپردازد و ریشه‌های معناشناختی نمادهای آن را در فرهنگ فولکلور گیلان مورد بررسی قرار دهد. روش تحقیق توصیفی تحلیلی است. روش گردآوری داده‌ها، ترکیبی از مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی است. روش تجزیه تحلیل داده‌ها کیفی است. ابتدا سعی بر خوانش و توصیف نقوش چادرشب گیلان است و ارتباط آن را با باورهای مردمی گیلان مورد بررسی قرار می‌دهد و در مرحله بعدی پیشینه تصویرگری نمادهای حیوانی را در هنر کهن گیلان بیان می‌نماید. تحقیقات موجود در این باره اندک اند. مجابی و فنایی (۱۳۸۸) به شیوه‌های بافت و معرفی برخی از نقوش چادرشب پرداخته‌اند. عابد دوست و محمدی اردکانی (۱۳۹۳) به معرفی نقوش چادرشب و ارتباط آن با آثار املش و مارلیک پرداخته‌اند. بررسی و مطالعه پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که محققان بیشتر به توصیف روش‌های بافت یا معرفی نقوش چادرشب پرداخته‌اند. در مواردی مقایسه نقوش چادرشب با آثار تاریخی نیز مطرح شده است اما تحلیل نمادهای حیوانی چادرشب با توجه به باورها و فرهنگ فولکلور گیلان و نیز شناسایی پیشینه تاریخی صورت نگرفته است.

مبانی نظری تحقیق

نماد: نماد چیزی است که جای چیز دیگر می‌نشیند. هر گاه معنایی به هر شکل در پس حجاب شکل یا مورد محسوس پنهان شود، شکلی از نماد ایجاد می‌شود. هرگاه مورد محسوس در بر دارنده‌ی لایه‌های تو در تو معنایی شود، نماد خواهد بود و هنر شکلی نمادین است که خود به ما امکان می‌دهد تا مسیر و راستای معناشناسانه اش را بشناسیم (احمدی، ۱۳۸۰: ۲۶۸). در هنر و اسطوره میان مورد محسوس و معنا فاصله است (احمدی، ۱۳۸۰: ۲۶۹). یونگ در کتاب انسان و سمبول‌هایش از مفهوم نماد آغاز می‌کند و از آن تعریف ساده‌ای بیان می‌دارد. برای او نماد «اصطلاح، نام، یا نمایه‌ای است که افزون بر معانی قراردادی و آشکار روزمره خود، دارای معانی متناقضی است» (یونگ، ۱۳۸۶: ۱۵). نماد شامل چیزی گنگ، ناشناخته یا پنهان از ماست. یک کلمه، یک نمایه، هنگامی نمادین می‌شود که چیزی بیش از مفهوم آشکار و بدون واسطه‌ی خود داشته باشد. این کلمه یا نمایه جنبه‌ی ناخودآگاه گسترده تری دارد که هرگز نه می‌تواند به گونه‌ی دقیق، مشخص شود و نه به طور کامل توضیح داده شود (یونگ، ۱۳۸۶: ۱۶).

چاشو(چادرشب): چاشو یا چادرشب، نوعی از پارچه بافی دستگاهی محلی است. این بافته منقوش در گیلان تولید می‌شود(مجایی و فنایی، ۱۳۸۸: ۳۱).

یافته‌های تحقیق

نقوش حیوانی به کار رفته در چادرشب اردک، بزکوهی، اسب، قورباغه، گنجه‌گاو(گوزن) و پروانه است. هر یک از این نقوش در اسطوره‌ها، باورها و فرهنگ فولکلور گیلان با مفاهیمی همراهند. نویسندگان پیشین به توصیف این نقوش و شیوه‌های ترسیم آنها پرداخته‌اند. پرفسور پوپ به برخی از این نمادها اشاره کرده‌اند. وی تصاویر اردک، غاز، درخت و گل را همانند آنچه مردم محلی باوردارند، نشانه‌های معمولی برکت و شادی می‌داند(اصلاح عربانی، ۱۳۸۷: ۳۹). نقوش جانوری چادرشب را می‌توان به دو گروه حیوانات و پرندگان تقسیم کرد. هر یک از این نقوش با مفاهیم و باورهای ویژه‌ای همراهند.

الف: حیوانات

نماد اسب

اسب و سوارکار یکی از نقوشی است که در چادر شب گیلان زیاد تکرار می‌شود. (تصویر ۱) این نقشمایه در آثار باستانی منطقه گیلان نیز به چشم می‌خورد. (تصویر ۳) در باورهای عامیانه گیلان ذکر شده است که گیلانیان در روزگار گذشته مراسم تیرماه سینه‌برپا می‌کرده‌اند و این مراسم در ستایش تیشتر برگزار می‌شده است و نکته قابل توجه آن که اسب سپید نماد تیشتر در متون پهلوی است. نمونه‌هایی از این نقشمایه در آثار باستانی گیلان نیز دیده می‌شود(خلعتبری، ۱۳۸۳: ۳۷). در قصه‌های عامیانه گیلان شخصیت اسب همانند سیمرغ یاری رسان و معجزه‌گر بیان می‌گردد. قهرمان افسانه‌ای اسب بادی، در روایات متعدد، تار مویی از یال اسب بادی و اسب‌های دیگر را آتش می‌کشد. اسب حاضر شده و گره از مشکل جوان می‌گشاید(چراغی، ۱۳۹۵: ۶۸). اسب در افسانه‌های ملک جمشید و مادیانی چهل کره دار، از غرب گیلان از یال خود به قهرمان افسانه‌ها می‌دهند و با آتش زدن موی اسب، به کمک قهرمان می‌آیند(جکتاجی، ۱۳۸۶: ۱۵۶). بر مبنای یک باور عامیانه در شب تیرماه سینه‌برگ اگر کسی نام اسب و سوار را بشنود، آرزویش برآورده می‌شود(بشرا، ۱۳۸۷: ۵۰). برای گیلانیان، افسار اسب برکت است، وقتی اسب را می‌فروختند افسارش را بر می‌دارند، اسب را بدون افسار تحویل داده و می‌فروختند. اسب بی افسار را تحویل خریدار دادن در حالی که گوش اسب را گرفته‌اند سبب خیر و فزونی برایش می‌شود و دعای خداوند به اندازه این گوش به تو خیر و برکت دهد، شهادی بر این برکت بخشی است(بشرا، ۱۳۸۳: ۱۱۱). از نظر مفهوم نمادین اسب مظهر آب‌های بارورکننده است و مسیر زیر زمینی آبها را می‌شناسد این امر نشان می‌دهد چگونه از اروپا تا خاور دور نعمت بیرون جوشیدن چشمه‌ها به ضربات سم اسب نسب داده می‌شود(شوالیه، ۱۳۸۸: ۱۵۲). در گیلان اگر اسب نشسته چندبار شیهه بکشد، درآمدهای زندگی صاحبش

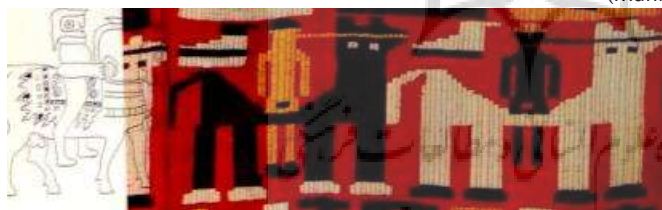
فزونی می‌یابد و ثروتمند می‌شود. اگر این شیبه کشیدن در شب باشد و صاحب سوار بیدار، به سراغ اسب می‌رود و پای راستش را بر پشت اسب نشسته می‌نهد و دعا می‌کند که خداوند، خیر و خوشی نصیب‌اش کند. برای گیلانیان نگه‌داری اسب سفید در خانه سبب دوری شیاطین و اجنه می‌شود (بشرا، ۱۳۸۳: ۱۱۱). پیشینه تاریخی تصویرگری اسب در گیلان قابل توجه است. (تصویر ۳ و ۴) در کاوش قبور متعلق به نیمه هزاره دوم (آغاز عصر آهن) و سده‌های آغازین هزاره اول ق.م در نقاط مختلف به ویژه در کلورز، شهران، مریان و مارلیک و... مشاهده شده است که اسب با تزئینات خود تدفین گردیده است و بعضا دیده شده که اسب به همراه صاحب خود دفن شده است. این ویژگی صرف نظر از مراسم تدفین در نزد سکاییها، بیان گر اهمیت و جایگاه اسب در زندگی بشر آن روزگار است (خلعتبری، ۱۳۸۳: ۳۷). بنابراین اسب علاوه بر اینکه در فرهنگ فولکلور مردم نماد تیشتر و باران است از دیدگاه ایکونوگرافی، یعنی تظورهای تصویری ریشه در آثار و آیین های کهن مردم گیلان دارد. پرفسور پوپ این نقش مایه را بر چادرشب گیلان با سوارکار قالی پازیریک مقایسه کرده و شباهت آن را مطرح کرده است (cluck, 1977: P.179) (تصویر ۲).



(۱۳۷: ۳۵)



تصویر ۴، مجسمه اسب و سوار، برنز،
املش، اوایل هزاره اول
ق.م (Mahboubian, 1997: 218)



همانطور که تصاویر نشان می‌دهد شیوه بازنمایی اسب در آثار کهن گیلان با بازنمایی آن بر چادرشب گیلان مشابهت های زیادی دارد. در این آثار سوار به شکل نیم رخ و یا تمام رخ از روبرو یا پشت مصور شده است.

نماد آهو و گوزن

آهو از نگاره‌هایی است که گزارش شده در چادرشبهای قدیمی گیلان موجود بوده است. در چادرشب گیلان نیز گوزن بافته می شده که امروز بافت آن منسوخ شده است. به جهت هندسی بودن نقوش تشخیص آهو از سایر

بزسانان کار مشکلی است. بافندگان نیز این نقوش را با نام کلی حیوان خطاب می کنند. مطالعه فرهنگ گیلان نشان می دهد که گوزن و آهو حیوان ویژه ایست که باورهای اسطوره ای مرتبط با آن بسیار است. (تصویر ۵)



در گیلان آهو یکی از نمادهایی است که در مراسم آیینی ویژه ای مرتبط با رسیدن بهار ظاهر می شود (بشرا، ۱۳۸۷: ۴۷-۵۱). این مراسم محلی از نظر مفهوم با نمادپردازی بزسانان مشترکاتی دارد. حَمَل نیز برجی است که به صعود خورشید، عبور از سرما به گرما، سایه به نور بستگی دارد. اولین علامت منطقه البروج است و در درجه ۳۰ اعتدال ربیعی قرار دارد. در این نقطه طبیعت پس از کرختی زمستانی بیدار می شود (شوالیه، ۱۳۸۸، ج ۳:۳۰). گوزن تصویری باستانی در بیان نوبهار است (شوالیه، ۱۳۸۸: ۷۷۱). در گیلان باور بر این است که گوزن دور کننده شر و باعث شفابخشی است (بشرا، ۱۳۸۷: ۱۸). مردم برای دوری از آزار مار در خانه ها مقداری شاخ گوزن در محل ظهور مار می سوزانیدند و باور داشتند مار از گوزن می ترسد. (بشرا، ۱۳۸۷: ۱۸). مردم گیلان بر این باورند اگر شاخ گوزن، گنجه گاو یا آهو را روی چاقو بکوبند و همراه داشته باشند از شر جن و پری مصون می مانند. به این چاقوها دسته شاخی گویند. (پاینده، ۱۳۷۷: ۲۹۱). ارتباط طلوع خورشید و گوزن و نیز تضاد میان مار و گوزن در باورهای گیلانیان دیده می شود. بارزترین بقایای آیین های مهری در گیلان را می توان در نصب شاخ های گوزن و بز کوهی در زیارتگاه های کوهستانی دور دست جستجو کرد. شاخ این حیوانات بر فراز آزاد درختان و بلوط مقدس و حریم زیارتگاه نصب می شده اند (بالایی، ۱۳۸۹: ۶۶).

مناطق کوهستانی تالش، این قصه را باوردارند. مار و گوزن با هم بر سر جهت برآمدن خورشید، شرط بسته بودند. مار می گفت: خورشید از مغرب می دمد. چون سحر گاه مهر عالم تاب از مشرق بر آمد، مار شرط را باخت و برای تاوان ندادن آن چه شرط کرده بود گریخت. از آن هنگام، گوزن دشمن همیشگی مار بد عهد شد (بشرا، ۱۳۸۷: ۱۹). این

داستان ارتباط طلوع خورشید و گوزن و نیز تضاد میان مار و گوزن را نشان می‌دهد. گوزن در آثار باستانی گاهی خود خورشید یا گاهی نمادهای خورشیدی را بر شاخ‌هایش حمل می‌کند که در این صورت گوزن نماد آسمان است (Golan, 2004: 90). اما زمانی که گوزن بر بدنش یا بر شاخ‌هایش نمادهای زمینی را حمل می‌کند، مانند مربع یا خط زیگزاگ گوزن نماد زمینی است (Golan, 2004: 90).

از نظر پیشینه تصویری گوزن یکی از فراوان‌ترین حیواناتی است که به هیئت مجسمه یا ریتون سفالین، و یا به شکل پیکره مفرغی و نیز به شکل نقش برجسته در آثار باستانی گیلان دیده می‌شود. (تصویر ۶ و ۷)



تصویر ۶ به ترتیب از بالا: گوزن از املش، (Golan, 1965: P. 89) پایین راست: گوزن‌ها (Golan, 1997: P. 214)



تصویر ۷ ردیف گوزن‌هایی که گل‌ها را حمل می‌کنند (Ghirshman, 1966: P. 23)



بزرگان.

پس از تکمیل مجموعه مرکزی نقش‌های چادربش، ردیف‌هایی از نقوش حیوانی و گیاهی و هندسی نمادین در کنار هم تکرار می‌شوند. (تصویر ۸ و ۹) بز آهو و گوزن از جمله نمادهای آنند که در چادربش‌ها به کار می‌رفته است. البته امروزه بافت گوزن و آهو مرسوم نیست. در میان آثار مختلف کشف شده از محوطه‌های باستانی گیلان آثار سفالین و مفرغی به چشم می‌خورد که بزکوهی و قوچ را به تصویر کشیده است. بزکوهی با شاخ‌هایی بزرگ‌تر از اندازه‌ی معمول که بسیار شبیه هلال ماه، ترسیم شده است نماد ماه است. گاه شاخ آن به تنهایی نماد ماه است (صمدی، ۱۳۶۷: ۲۱). بز نر هم مانند قوچ، نماد نیروی باروری و نیروی حیاتی است (گری

۱۳۸۶: ۹۴). بز و قوچ را جزو نمادهای قمری و مرطوب دسته بندی می کنند. بزهای کوهی سفالی بسیاری از مناطق گیلان و مازندران به مجموعه های شخصی و عمومی وارد شده اند (پرادا، ۱۳۵۶: ۱۴۱). (تصویر ۱۰)

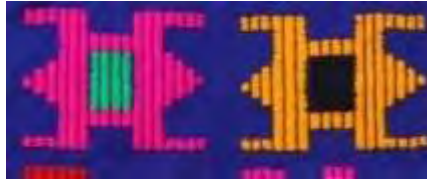


تصویر ۱۰. بز کوهی آرمیده، جامی از مارلیک (نگهبان، ۱۳۷۸: ۲۰۷)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

قورباغه

نشان هندسی که در چادرشب گیلان به کار رفته و برخی بافندگان آن را قورباغه می نامند از جمله نمادهای قابل توجه است. (تصویر ۱۱)



تصویر ۱۱ نقش قورباغه در چادر شب گیلان (عابد دوست : ۱۳۹۳)

این نام محلی از نظر مفهوم نمادین، با کلیت چادر شب که مجموعه نمادهای مرطوب را به تصویر کشیده است، هماهنگی دارد. مردم گیلان آواز قورباغه را نشان باران می‌دانند. قورباغه در مفاهیم گوناگون نمادین به کار می‌رود که مهمترین آنها در ارتباط با عنصر طبیعی آن یعنی آب است. گیلانیان آواز خواندن قورباغه را نماد باران می‌دانند. در چین باستان قورباغه‌ها را به صدا در می‌آوردند و یا صدای آنها را تقلید می‌کردند تا باران بیارد. قورباغه‌ها را روی طبل های مفرغی تصویر می‌کردند، زیرا صدای طبل یادآور صدای صاعقه بود. قورباغه باران را فرا می‌خواند. قورباغه حیوانی قمری در ارتباط با آب یا عنصر بین‌آست. حتا در غرب قورباغه به دلیل دگردیسی اش به عنوان نماد زندگی دوباره ملحوظ شده است (شوالیه، ۱۳۸۸: ۴۷۳). در اشعار ودایی، قورباغه تجسم زمین بارور به خاطر باران‌های بهاری است؛ آوای غوکان برای شکرگذاری از آسمان به خاطر نوید میوه‌ها و ثروتی است که از زمین به دست می‌آید. در ودا از هستی غوکان سخن می‌رود و آنها را همذات برهنه‌ها سومه می‌دانند. غوکان آوازه خون، و کاهنان زمین - مادر هستند. سرود ریگ ودا چنین پایان می‌یابد:

باشد که غوکان گاو آوا ما را ثروت بخشند

باشد که غوکان در فصل باران حاصلخیز صد ها گاو به ما بخشند، و عمر ما را دراز کنند (شوالیه، ۱۳۸۸، ج ۴: ۴۷۵).

ب: پرندگان

پرنده

پرنده در هنر و فرهنگ گیلان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. پرندگان موجود در چادرشب به شکل دوتایی محافظ گیاه، ترنج، یا طرح‌های هندسی هستند. گاهی چهار پرنده یک ترنج یا گل میانی را احاطه می‌کند. (تصویر ۱۲ - ۱۵) از دیدگاه نمادین پرنده از نشانه‌های پیوند دهنده زمین و آسمان است (کوپر، ۱۳۸۶: ۷۱). پرنده، نماد روح، نماد قدرت و زندگی و اغلب نماد باروری است (شوالیه، ۱۳۸۸، ج ۲: ۲۰۳). پرنده جزو نمادهایی است که همواره با درخت زندگی همراه است. بنابر متن بندهش سیمرغ سرور پرندگان گستراننده حیات و زندگی است و با باران ارتباط تنگاتنگ دارد (تفضلی، ۱۳۵۴: ۱۴۴). در میان مردم گیلان پرندگان از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. پرنده ای با نام محلی نوغان خوار که شبیه گنجشک با پرهای رنگی است. از آخر بهمن ماه تا اوایل بهار طلب کننده باران است و در آوازش چنین

می خوانند: جیر بکن، جیر بکن بهاره، به معنی پایین بریز، پایین بریز بهار آمده. مردم بر این باورند که این پرنده ابر را برای ریزش باران تشویق می کند. در گیلان باور دیگر، خوش خبری و مزده ورود میهمان از طرف پرندگان است. پس در این باورها پرنده عنصری سودمند و در جهت خیر رساندن به هستی است. باورهای عامیانه گیلانیان خیر بودن پرنده را نشان می دهد. در گیلان اگر زاغچه در خانه آواز بخواند خبر خوشی به صاحبخانه می رسد (پاینده، ۱۳۷۷: ۲۸۹). مردم گیلان برای تمامی اجزای پیکر هدهد خواصی قائلند. هرکس سر خشکیده شانه به سر را همراه داشته باشد، مقبول الکلمه و محبوب القول می شود. با خویش داشتن شاه پر شانه به سر نیز همین اثر را دارد (بشرا، ۱۳۸۰: ۱۰۶). در سراسر گیلان قار قار مضطربانه و شتاب آلود کلاغ به ویژه در حال پرواز خبر از باریدن باران می دهد (بشرا، ۱۳۸۰: ۱۴۸). استحاله انسان به پرنده نماد را می

توان در آثار مارلیک مشاهده کرد. (تصویر ۱۷ و ۱۶)



تصویر ۱۳: پرنده بر فراز درخت

نرفته اند بر چادرش
ت زندگی است. ()

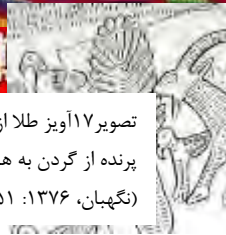
تصویر ۱۲: پرندگان حلقه زده دور تا دور ماه گل نقش مرکزی
چادر شب گیلان (عکس از صادقی: ۱۳۹۳)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



راغ در
(۱۳۹)



تصویر ۱۷ آویز طلا از مارلیک ، دو
پرنده از گردن به هم چسبیده
(نگهبان، ۱۳۷۶: ۴۵۱)



تصویر ۱۵ پرندهگان
چادرشب گیلان د



پروانه

یکی از نقوشی که در چادرشب گیلان به کار می‌رود نقش پروانه است. (تصویر ۱۸) این نقش در ترکیب‌های پنج تایی میان چهار پرنده روبرو و دو تبرزین قرار گرفته است. در مواردی کل سطح یک چادرشب را به عنوان یک نقشمایه سراسری پر می‌کند. مردم محلی آن را پروانه می‌نامند. نقش مایه پروانه در دستبافته‌ها و سایر هنرهای ایران و نیز دستبافته‌های ترکیه به کار می‌رود. چادرشب بافته‌ای قمریست بنابراین دگردیسی پروانه می‌تواند نمادی از دگردیسی ماه باشد. پس با محافظان اسطوره‌ای آسمانی، پرندهگان احاطه شده است و شاید ارتباطی با وضعیت نجوم داشته باشد. این تفسیر با رمز پردازی پروانه کاملاً هماهنگ است.



تصویر ۱۸ نماد پروانه بر چادر شب گیلان ، با چهار پرنده
رود رو، دو تبرزین ، نماد سرو در پایین و نماد مربع در بالا)
نگارنده: ۱۳۹۲)

پروانه را می‌توان به عنوان نماد سبکی و ناپایداری ملحوظ داشت. وجه دیگر نماد پروانه بر مبنای استحاله آن استوار است. شفیره‌های پروانه، تخم و هسته‌یی است که تمام استعدادهای بالقوه پروانه را در خود دارد (شوالیه، ۱۳۸۵: ۲۰۹). وقتی پروانه از پیله خارج می‌شود نماد زندگی دوباره است و یا به عبارت دیگر مانند خروج از گور است. پروانه نماد آتش خورشیدی و روزانه است (شوالیه، ۱۳۸۵: ۲۱۰). طبق یک باور عمومی در یونان، روم

باستان، روحی که از جسم مرده خارج می‌شود به شکل یک پروانه است. این باور نزد بسیاری از اقوام ترک آسیای مرکزی نیز دیده شده که کاملاً تحت تاثیر تفکر ایرانی است. آنان عقیده دارند که روح مردگان می‌توانند به صورت پروانه ظاهر شوند (شوالیه، ۱۳۸۵: ۲۱۳).

نتیجه‌گیری

چادرشب (چارشو، چاشو) گیلان از جمله صنایع دستی شگفت‌انگیز منطقه گیلان است که مزین به نقش‌ها و رنگ‌های الوان است. در مرکز این بافته نقشمایه‌ای قرار دارد که مردم محلی آن را ماه گل می‌نامند و تاکید دارند، ماه گل باید در مرکز چادر شب قرار گیرد. ماه گل مزین به خطوط جناغی نماد آب است. بنابراین ماه گل نماد مرطوب است. ماه گل با نمادهای حیوانی احاطه شده است. این نمادها و نشانه‌ها ریشه در باورها و نیز هنر باستانی گیلان دارد. باورهای محلی و بومی گیلان حاکی از آن است که این نمادها آورنده خیر و دور کننده شر هستند. نمونه‌هایی از نمادهای حیوانی موجود بر چادرشب را می‌توان در میان آثار باستانی مارلیک و املش نشان داد. این نکته قدمت نقوش چادرشب و پیشینه هنری آن را نشان می‌دهد. نقوش حیوانی چادرشب گیلان با مفاهیم نمادین همراهند. پرنده نمادی آسمانی است گیلانیان آن را خوش‌خبر و خوش‌یمن می‌دانند. بزسانان، گوزن و آهو نمادهای حیوانی مرتبط با باروری‌اند که آیین‌های محلی آن را نمادی مرتبط با آمدن فصل بهار بیان می‌کند. اسب و سوارکار نیز از نقوش چادرشب گیلان و اسب نماد تیشتر ایزد باران است، باورهای محلی آن را مرتبط با برکت و دور کننده شر بیان می‌کند. قورباغه نماد بشارت دهنده باران از دیگر نقوش چادرشب است. پروانه از نمادهایی است که مفهوم نمادین تغییر و تبدیل را با خود همراه دارد. این بافته ارزشمند با مرکزیت ماه می‌تواند با دوره‌ای از تاریخ گیلان مرتبط باشد که ماه در آیین‌های مذهبی-دینی جایگاه ویژه‌ای داشته است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت، نمادهای حیوانی به کار رفته در چادرشب گیلان نمادهای قمری و مرطوب هستند.

منابع و ماخذ

کتاب

- احمدی، بابک (۱۳۸۰) حقیقت و زیبایی درس‌های فلسفه‌ی هنر، چاپ پنجم، تهران: نشرمرکز.
- اصلاح عربانی، ابراهیم (۱۳۸۷) کتاب گیلان، تهران: گروه پژوهشگران ایران.

- بالایی، علی (۱۳۸۹) گنج نامه ولایت بیه پیش. دفتر دوم، تهران: نشر سبحان نور.
- بشرا، محمد (۱۳۸۷) افسانه ها و باورداشت های مردم شناختی جانوران و گیاهان در گیلان، خزندگان، دوزیستان و حشرات، رشت: انتشارات دهسرا.
- بشرا، محمد (۱۳۸۳) افسانه ها و باورداشت های مردم شناختی جانوران و گیاهان در گیلان. دد و دام، رشت: انتشارات دهسرا
- بشرا، محمد (۱۳۸۰) افسانه ها و باورداشت های مردم شناختی جانوران و گیاهان در گیلان پرندگان، رشت: انتشارات دهسرا.
- پاینده لنگرودی، محمود (۱۳۷۷) آیین ها و باورداشت های گیل و دیلم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- پرادا، ایدت و رابرت دایسون و چارلز ویلکینسون (۱۳۵۶) هنر ایران باستان، ترجمه یوسف مجیدزاده، چاپ دوم، تهران: موسسه و انتشارات دانشگاه تهران
- تفضلی، احمد (۱۳۵۴) مینوی خرد، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- جکتاجی، محمد تقی (۱۳۸۶) افسانه های گیلان، چاپ دوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- چراغی، رحیم (۱۳۹۵) زندگی در قلمرو اساطیر. اندیشه های باستانی از مارلیک تا شاهنامه، رشت: انتشارات گیل و دیلم.
- خلعتبری، محمدرضا (۱۳۸۳) کاوش های باستان شناسی در محوطه های باستانی تالش، مریان، تندوین، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- شوالیه، ژان و آلن گربران (۱۳۸۸) فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضایی، جلد ۶، تهران: نشر جیحون.
- شوالیه، ژان و آلن گربران (۱۳۸۵) فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضایی، جلد ۱-۵، تهران: نشر جیحون.
- صمدی، مهرانگیز (۱۳۶۷) ماه در ایران از قدیمی ترین ایام تا ظهور اسلام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کوپر، جی.سی (۱۳۸۶) فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کرباسیان، تهران: نشر نو.
- گری، جان (۱۳۸۶) شناخت اساطیر خاور نزدیک (بین النهرین)، ترجمه باجلان فرخی، تهران: نشر اساطیر.

- یونگ، کارل گوستاو (۱۳۸۶) انسان و سمبول‌هایش، ترجمه محمود سلطانی، چاپ ششم، تهران: نشر جامی.

مقالات

- عابدوست، کلثوم و جواد علی محمدی اردکانی (۱۳۹۳) "بررسی و تحلیل نقوش چادرشب گیلان" مجله علم و فرهنگ، سال اول، شماره ۲

- مجابی، علی و زهرا فنایی (۱۳۸۸) چادرشب بافی قاسم آباد، فصلنامه فرهنگ و مردم، شماره ۳۱ و ۳۲، ص ۷۳-۹۲

منابع انگلیسی

Cluck ,sumi Hiramoto (1977) Editor CarlJ.Penton, A Survey of Persian &-Cluck,Jay Handicraft. Tehran : Bank Meli Iran

Boise :-Golan, Ariel (2004) Prehistoric Religion, Mythology Symbolism. Jerusalem Public Library

منابع تصاویر

-گیرشمن، رمان (۱۳۷۱) هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی، ترجمه عیسی بهنام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

-نگهبان، عزت الله (۱۳۷۶) مروری بر پنجاه سال باستان شناسی ایران، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

-نگهبان، عزت الله (۱۳۷۸) حفاری‌های مارلیک، تهران: سازمان میراث فرهنگی

Cluck ,sumi Hiramoto (1977) Editor CarlJ.Penton, A Survey of Persian &-Cluck,Jay Handicraft. Tehran : Bank Meli Iran

:-Ghirshman, Roman & Wiet, Gaston (1966) Tre sors de L' Ancien, Iran Switzerland le Musee Rath-GenEve.

-Mahboubian,Houshang (1997) Art of ancient Iran, Copper and Bronze: Philip Wilson Publishers.

-Smithsonian institution (1965)7000 years of Iranian art, Washington,D.c: National Gallery of art.

-Wilkinson.Charles K (1965) Art of the Marlik Culture , New Yourk: Bulletin of the. the Metropolitan Museum of Art,Vol.24,no.3.

بازدیدها:

-صادقی(۱۳۹۳) بافنده و تولید کننده و فروشنده چادر شب در گیلان ، قاسم آباد

Analysis of Concepts and Visual Backgrounds of Animal Symbols in Guilan's Chador Shab Based on Local Myths and Beliefs

Hossein Abeddoust⁴

Ziba Kazempoor⁵

Abstract:

Chador Shab is a textile that is traditionally woven in Guilan. This braided motif depicts the continuation of ancient symbolism of the land of Guilan until the present day. The present study seeks to realize the symbolic and pictorial concepts of animal motifs in Guilan's Chador Shab. The purpose of the research is to analyze the semantics and background of the designation knowledge of Chador Shab as a traditional woven. The research method is descriptive-analytical. The method of collecting library data is through noting and picture reading. Data analysis was performed qualitatively. Based on the study findings, the background of the presence of animal motifs in the folklore culture and ancient art of Guilan can be demonstrated. Caprinae symbolizes fertility and also the Aries and arrival of spring, deer is the evader of evil and guardian of elements of good, bird is the heavenly symbol that is the guardian of the sacred plant, butterfly symbolizes change from stage to stage. Most animal motifs are associated with the concepts of benevolence, fertility and excess. An in-text study of popular beliefs as well as antiquities of the region show the continuity of symbolic thought in the Guilan art.

Research objectives

- 1- Study of animal symbolic elements of Guilan's Chador Shab
- 2- Studying the visual background of the Chador Shab's animal motifs in ancient works of Gilan.

⁴ Assistant Professor of Graphics, Faculty of Art and Architecture, University of Guilan-Rasht-Iran
habeddost@guilan.ac.ir

⁵ PhD in Art Research, Lecturer, Faculty of Art and Architecture, University of Guilan
zkazempoor@yahoo.com

The present article is derived from a research project entitled: Identifying the Concepts and Historical Background of Guilan Chador shab Motifs and Their Application in Designing Women's Formal Wear, presented at the University of Guilan, Faculty of Art and Architecture.

research questions

1. What are the symbolic meanings of the Chador Shab's animal motifs and what are the local beliefs associated with these symbols?
2. What similarities can be drawn between Chador Shab's animal motifs and the Guilan antiquities?

Keywords: Animal Symbols, Visual Background, Guilan Chador Shab, Local Beliefs

Sources and references

Books

- Ahmadi, Babak (2001) *The Truth and Beauty of the Philosophy of Art, Fifth Edition*, Tehran: Publishers Markaz.
- Eslahe Arabani, Ebrahim (2008) *Guilan Book*, Tehran: Iranian Research Group.
- Balaie, Ali (2010) *Treasure Letter of Biah Province. Second Office*, Tehran: Sobhan Noor Publishing.
- Boshra, Mohammad (2008) *Anthropological Myths and Beliefs of Animals and Plants in Gilan, Reptiles, Amphibians and Insects*, Rasht: Dehsara Publications.
- Boshra, Mohammad (2004) *Anthropological myths and beliefs of animals and plants in Guilan. Ded and Dam*, Rasht: Dehsara Publications
- Boshra, Mohammad (2001) *Anthropological Myths and Beliefs of Animals and Plants in Gilan Bird*, Rasht: Dehsara Publications.
- Payandeh Langroodi, Mahmood (1998) *Gil and Deilem's rituals and beliefs*, Tehran: Humanities and Cultural Studies Institute.
- Porada, Eidet & Robert Dyson and Charles Wilkinson (1976) *Ancient Iranian Art*, translated by Yousef Majidzadeh, Second Edition, Tehran: Tehran University Institute and Publications
- Tafzzoli, Ahmad (1354) *Minavi Kherad*, Tehran: Foundation for Iranian Culture.
- Jaktaji, Mohammad Taghi (2007) *The Myths of Guilan, Second Edition*, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Cheraghi, Rahim (1395) *Living in the realm of myths. Ancient Thoughts from Marlik to Shahnameh*, Rasht: Gil and Dilm Publications.
- Khalatbari, Mohammad Reza (2004) *Archaeological excavations at Talesh ancient sites, Marian, Tondvin*, Tehran: National Heritage Organization.
- Shawaliyeh, Jean and Alan Gerban (2009) *The Symbols of Culture*, translated by Sudabeh Fazeli, Volume 6, Tehran: Jeyhun Publishing.
- Shawaliyeh, Jean and Alan Gerban (2006) *Symbol Culture*, translated by Sudabeh Fazeli, Volume 1-5, Tehran: Jeyhun Publishing.
- Samadi, Mehrangiz (1367) *Month in Iran from the earliest times to the advent of Islam*, Tehran: Scientific and Cultural Publications.
- Copper, GC (2007) *The Illustrated Culture of Traditional Symbols*, Translated by Malihe Karbassian, Tehran: New Publication.
- Grey, John (2007) *Recognizing Near Eastern (Mesopotamian) Myths*, Translated by Bajlan Farrokhi, Tehran: Mythological Publishing.
- Jung, Carl Gustav (2007) *Man and his Symbols*, Translated by Mahmoud Soltanieh, Sixth Edition,

Tehran: Jami Publishing.

articles

- Abedoust, Kolsoum, and Javad Ali Mohammadi Ardakani (2014) "Investigation and Analysis of Guilan Tent Motifs" Journal of Science and Culture, Vol. 1, No. 2

- Mojabi, Ali and Zahra Fanaei (2009) Qasem Abad Weaving Tent, Journal of Culture and People, Nos. 31 and 32, pp. 73-92

-Cluck,Jay & Cluck ,sumi Hiramoto (1977) Editor CarlJ.Penton, A Survey of Persian Handicraft. Tehran : Bank Meli Iran

-Golan, Ariel (2004) Prehistoric Religion, Mythology Symbolism. Jerusalem:Boise Public Library

Images sources

-Girshman, Roman (1992) Iranian Art in the Medieval and Achaemenian Era, Translated by Jesus Behnam, Tehran: Scientific and Cultural Publications.

-Neghahban, Ezzatollah (1997) A Review of the Fifty Years of Iranian Archeology, Tehran: National Heritage Organization.

- Neghahban, Ezzatollah (1999) Marlik Excavations, Tehran: Cultural Heritage Organization

-Cluck,Jay & Cluck ,sumi Hiramoto (1977) Editor CarlJ.Penton, A Survey of Persian Handicraft. Tehran : Bank Meli Iran

-Ghirshman, Roman & Wiet, Gaston (1966) Tre sors de L'Ancien, Iran Switzerland: le Musee Rath-GenEve.

-Mahboubian,Houshang (1997) Art of ancient Iran, Copper and Bronze: Philip Wilson Publishers.

-Smithsonian institution (1965)7000 years of Iranian art, Washington,D.c: National Gallery of art.

-Wilkinson.Charles K (1965) Art of the Marlik Culture , New Yourk: Bulletin of the the Metropolitan Museum of Art,Vol.24,no.3.

Views:

-Sadeghi (2014) Weaver, Manufacturer and Seller of Chador Shab Gilan, Qasem Abd